چکیده

بازار پول و سرمایه نقش اساسی و سازنده‌ای در فرآیند توسعه و رشد اقتصادی کشور می‌تواند فراهم سازد، لذا ایجاد انگیزه‌های اقتصادی که بتواند سبب جذب پس‌اندازها و توسعه نهادهای پولی و مالی بشود حائز اهمیت می‌باشد، در این مقاله سعی گردیده است اثرات کاهش نرخ سود و چگونگی اعمال آن در تطابق با شرایط واقعی بازار به‌گونه‌ای که بتواند، سودآوری واقعی را برای سپرده‌گذاران به‌همراه داشته باشد، مورد بررسی و مقایسه قرارگرفته است.

در این بررسی با مقایسه انواع سپرده‌های بانکی (قرض‌الحسنه وسرمایه‌گذاری) و تکالیف قانونی از نظر سپرده قانونی و نحوه مصارف یا تخصیص منابع از محل سپرده‌ها و انتظار سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری بلندمدت ملاحظه می‌گردد که با توجه به نرخ سود علی‌الحساب سپرده‌ها و سود قطعی پرداخت شده بانک‌ها در مقایسه با نرخ‌های تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بانک‌ها نتوانسته‌اند به وظایف خود در خصوص وکالت سپرده‌گذاران بخوبی عمل نمایند زیرا سود قطعی پرداخت شده دراین سال‌ها عموماً کمتر از نرخ تورم بوده است. یعنی این‌که حتی بازپرداخت اصل سرمایه سپرده‌گذاران نیز به قیمت واقعی تأمین نگردیده است. بررسی وضعیت سودآوری بالغ بر ۴۰۰ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار حاکی از بازده ارزش ویژه بالاتر از ۳۷٪ و سود خالص به فروش بالاتر از ۲۳٪ بوده است.

حال اگر با توجه به قراردادهای عقود اسلامی و دوره گردش کالا یا عملیات در فعالیت‌های مختلف اقتصادی بالاخص برای تأمین سرمایه در گردش مطابق شرایط واقعی بازار عمل گردد، به‌طور حتم نرخ سود تسهیلات کاهش یافته و به‌معنی واقعی بانکداری اسلامی نیز شکل خواهد گرفت و سپرده‌گذاران نیز از سود واقعی منتفع خواهند شد.

کلمات کلیدی: نرخ سود واقعی، سپرده‌های قرض‌الحسنه، سپرده‌های سرمایه‌گذاری، عقود اسلامی.

۱- مقدمه

بازار پول و سرمایه در هر کشور نقش اساسی و سازنده‌ای در فرآیند توسعه و رشد اقتصادی آن کشور فراهم می‌سازد. لذا ایجاد انگیزه‌های اقتصادی که بتواند سبب جذب پس‌اندازها و توسعه نهادهای پولی و مالی از قبیل بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار، مؤسسات مالی غیربانکی و ... که بتواند پس‌اندازهای جذب شده را براساس سیاست‌های کلی و اهداف بلندمدت اقتصادی کشور به‌طور منطقی و کارآمد به فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا سوق دهند، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

در سال‌های گذشته براساس الگوهای توسعه اقتصادی تحلیل و استنباط غالب اقتصاددانان این بود که نرخ‌های پایین سود، هزینه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشد، اما این دیدگاه در کشورهای توسعه یافته کاملا مصداق داشته ولی در کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه، مشکل عمده کمبود منابع و عدم وجود بازارهای تکامل یافته پول و سرمایه می‌باشد و در این‌کشورها ثابت نگهداشتن و یا کاهش نرخ سود در شرایط تورمی، نرخ سود منفی را برای سپرده‌گذاران به‌همراه خواهد داشت که نتیجه آن:

کاهش سپرده‌ها یا پس‌اندازها و به تبع آن کاهش حجم فعالیت واسطه‌گری پولی شبکه بانکی در فرآیند جذب منابع و تخصیص آن خواهد بود.

شروع حرکت سپرده‌ها و پس‌اندازها به خارج از مرزهای کشورآغاز خواهد گردید.

گسترش و رونق بازارهای غیرمتشکل یا غیررسمی پولی و مالی گسترش خواهد یافت.

پس‌اندازکنندگان به‌علت ترس از کاهش ارزش پس‌اندازشان سعی در افزایش مصرف خود در ابعاد کالاهای سرمایه‌ای (زمین، ساختمان، ارز، طلا و ...) خواهند داشت.

علاوه برآن بسیاری از پروژه‌های سرمایه‌گذاری که از لحاظ مزیت نسبی و بازدهی از توجیهات لازم برای سرمایه‌گذاری برخوردار نمی‌باشند، به‌لحاظ پایین بودن نرخ سود در مقابل تورم به‌ظاهر از قابلیت لازم برخوردار گردیده و مناسب برای سرمایه‌گذاری تشخیص داده می‌شوند و متقاضی تأمین منابع از سوی سیستم بانکی می‌شوند و این امر سبب می‌گردد که برخلاف کاهش عرضه پس‌اندازها، تقاضا برای اخذ تسهیلات افزایش یابد.

در این شرایط بانک‌ها نیز تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت برای اجرای طرح‌ها نخواهند داشت و عمدتاً سعی در پذیرش تقاضاهای کوتاه‌مدت می‌نمایند. و به‌علت عدم امکان پاسخ‌گویی به کلیه تقاضاها رانت‌خواری شکل می‌گیرد و در نتیجه قشر عظیمی از جامعه نمی‌توانند از بازار سرمایه متشکل استفاده نماید.

در کشور ما نیز به‌علت دوگانگی سیستم بانکی و تفاوت‌های موجود بین آن‌ها به‌خصوص از نقطه نظر سود، در درجه اول حرکت پس‌اندازها از بانک‌های دولتی به‌طرف بانک‌های خصوصی و مؤسسات مالی و اعتباری غیربانکی خواهد بود و همچنین این امکان وجود دارد که توسط رانت‌خواران بخش مهمی از تسهیلات اخذ شده از طریق سیستم بانکی (بخصوص) دولتی در شکل‌های مختلف و به‌صورت سپرده به‌طرف آن‌ها حرکت نماید.

اما تناسب نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی با نرخ تورم، تشویق سپرده‌گذاران و در نتیجه افزایش منابع را به‌همراه خواهد داشت که سبب افزایش قدرت سیستم بانکی برای تأمین مالی پروژه‌ها و پاسخ‌گویی بیشتر به این‌گونه متقاضیان خواهد بود و طرح‌هایی مورد پذیرش قرار می‌گیرند که از بازدهی مناسب و مزیت نسبی برخوردار باشند. کاهش نرخ سود اگر با بررسی کلیه جوانب و عوامل اقتصادی تأثیرگذار ازجمله تورم صورت پذیرد، بدیهی است که سبب افزایش نرخ سرمایه‌گذاری ملی و کاهش هزینه‌های تولید گردیده که ضمن ایجاد اشتغال تحرک بیشتر در اقتصاد ملی را به‌همراه خواهد داشت و علاوه برآن قدرت رقابت در سطح بین‌المللی را نیز فراهم خواهد نمود. اما تغییرات نرخ سود نمی‌تواند بدون بررسی وضعیت بازار و تورم، سهم موردنظر از قیمت تمام شده محصولات تولیدی، وضعیت بازار سرمایه، نرخ رشد پس‌انداز، نرخ رشد اشتغال، انتظار از آینده و بسیاری عوامل تأثیرگذار دیگر تعیین گردد. چه در غیراین‌صورت مسلماً سرمایه‌های زیادی از سیستم بانکی خارج گردیده و به‌صورت سرگردان و مدیریت نشده مالی در بخش‌های غیرمولد جامعه از جمله واسطه‌گری، دلالی، سوداگری که دارای منافع بیشتری است، بکارگرفته می‌شود که خود نیز مجدداً دامن به تورم می‌زند. و در این حالت سرمایه از بخش‌های مولد، سازنده و تولیدی خارج گردیده و سبب گسترش واردات کالا و خروج سرمایه از کشور خواهد شد.

از ابعاد بانکی نیز در کشور ما باید به‌شکل سپرده‌ها توجه لازم معمول گردد و پیش‌بینی تغییرات در نرخ سود با رعایت شکل و محتوای قانونی آن‌ها صورت پذیرد.

۲- نحوه تجهیز منابع، خصوصیات و عملکرد نظام بانکی درپرداخت سود به سپرده‌گذاران

به‌موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) تجهیز منابع توسط سیستم بانکی به دو صورت ذیل مجاز می‌باشد:

۲-۱- سپرده‌های قرض‌الحسنه (جاری و پس‌انداز)

۲-۲- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

سپرده‌های قرض‌الحسنه

این سپرده‌ها برای بانک یک دین عندالمطالبه محسوب می‌شود و در نتیجه در هر زمانی‌که صاحب سپرده آن‌را طلب نمود بانک ملزم است اصل آن‌را بدون کم و کاست بپردازد و سودی به این سپرده‌ها تعلق نمی‌گیرد و به‌علت شکل ایجادی آن‌ها، این سپرده‌ها برای بانک جنبه مالکیتی داشته و بانک می‌تواند با سیاست‌های ابلاغی از آن‌ها مانند سرمایه و اندوخته‌های خود استفاده نماید.

بدیهی است طبق ضوابط و مقررات، بخشی از این سپرده‌ها به‌عنوان اندوخته قانونی (۱۷٪) در اختیار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته و بخشی نیز به‌عنوان نقدینگی نزد بانک می‌ماند و در چارچوب سیاست‌های ابلاغی تا سقف سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه صرف اعطاء تسهیلات قرض‌الحسنه شده و مابقی آن می‌تواند اختصاص یابد به انواع تسهیلات اعطایی و در نتیجه منبع درآمدی برای بانک باشد و درآمد حاصله بخشی از هزینه‌های بانک را تأمین و احتمالاً سودی نیز عاید نماید که قابل تقسیم بین سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری نمی‌باشد.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری

این سپرده‌ها به‌موجب قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) جنبه وکالتی و امانی داشته و بانک فقط مجاز به استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجاز اقتصادی و در قالب عقود مختلف می‌باشد که از محل بازده و سودآوری آن‌ها، سود حاصله را بین سپرده‌گذاران تقسیم نماید.

در خصوص این سپرده‌ها نیز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به میزان ۱۷٪ سپرده قانونی اخذ می‌نماید و درصدی از آن به‌عنوان نقدینگی نگهداری می‌شود و مابقی در چارچوب ضوابط مربوطه در بخش‌های مختلف اقتصادی به اعطای تسهیلات اختصاص یافته و سود حاصله با رعایت سهم منابع بانک و سپرده‌گذاران، پس از کسر حق‌الوکاله بانک با رعایت مبلغ و مدت سپرده بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌گردد.

می‌دانیم منافع حاصله از سپرده‌های گروه اول که هزینه کمتری نیز برای بانک دارند، عمدتاً متعلق به بانک می‌باشد (بعد از کسر سهم جوائز و سهم هزینه‌های بانک) و بین سپرده‌گذاران قابل تقسیم نمی‌باشد اما منافع حاصل از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری متعلق به سپرده‌گذاران بوده و مازاد بر سهم بانک، از محل منابع و حق‌الوکاله تعیین شده قابل برداشت نمی‌باشد لذا

حق‌الوکاله تعیین شده برای بانک باید ضمن پوشش هزینه‌های مستقیم بانک برای بکارگیری این سپرده‌ها حاوی سود خالص یا اجرت برای بانک باشد.

اما از این سپرده‌ها حدود ۱۷٪ سپرده قانونی در اختیار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران قرارگرفته و حداقل۳ تا ۴ درصد نیز به‌عنوان نقدینگی در بانک نگهداری می‌گردد و لذا حدود۸۰٪ این منابع می‌تواند برای سرمایه‌گذاری و تأمین مالی پروژه‌ها به‌صورت سرمایه در گردش و یا سرمایه‌گذاری ثابت و بلندمدت مورد استفاده واقع گردد. سیاست‌گذاران پولی و اعتباری براساس سبد تسهیلات اعطایی و روند سودآوری بانک‌ها در سال‌های اخیر پیش‌بینی سود علی‌الحساب بین ۷٪ (سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت) تا ۱۶٪ (سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت) را برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری منظور نموده‌اند که میزان سود تعیین شده برای بخش اعظمی از سپرده‌ها پایین‌تر از نرخ تورم می‌باشد.

بنابراین بانک‌ها علی‌رغم نقش وکیل بودن خود، حتی اصل سرمایه سرمایه‌گذاران خود را نیز پوشش نداده‌اند، از سویی دیگر سود علی‌الحساب و نهایتاً قطعی سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت به‌میزان ۷٪ تعیین گردیده است، با در نظر گرفتن این موضوع که سود علی‌الحساب پرداختی به حداقل مانده در طی روز تعلق می‌گیرد ملاحظه می‌گردد که سود منظور شده برای این سپرده‌ها نسبت به سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت برابر ۴۳/۷۵ ٪ (۷:۱۶) می‌باشد و تفسیر آن با توجه به ثابت بودن نرخ سپرده قانونی این است که بانک‌ها فقط بابت ۵۶/۲۵٪ این سپرده‌ها سود پرداخت می‌نمایند که دو مفهوم می‌توان برای آن استنباط نمود یکی آن‌که به‌علت گردش زیاد آن‌ها و نگهداری نقدینگی بالا در بانک‌ها حداکثر سقف اعطاء تسهیلات از محل این سپرده‌ها درحد ۵۶٪ می‌باشد که با توجه به منابع و مصارف بانک‌ها نمی‌تواند تحقق یابد و دیگری آن‌که با توجه یکسان بودن نرخ سود و حداقل نرخ سود مورد انتظار و پایین‌تر بودن ریسک تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت با فرض پرداخت آنها از محل این سپرده‌ها، و همچنین یکسان بودن نرخ حق‌الوکاله به‌کارگیری آن‌ها و هزینه مطالبات مشکوک‌الوصول عملاً بانک‌ها به حق قانونی سپرده‌گذاران برای اختصاص سود اقدام ننموده‌اند که اگر چنین باشد قانوناً و شرعاً اشکال داشته و مسئولیت دارند.

وضعیت تسهیلات اعطایی خصوصی بانک‌های دولتی وسپرده‌ها در پایان سال ۱۳۸۵

جمع‌کل تسهیلات اعطایی	۹۱۹۱۱۲۰۴۴ میلیارد ریال
جمع‌کل سپرده‌ها (شامل سایر)	۱۰۸۹۸۴۴۵۰۵ میلیارد ریال
نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌ها	٪۸۴,۳۳

همچنین با توجه به الزام بانک‌ها به رعایت نرخ سود و حداقل نرخ سود مورد انتظار به‌میزان ۱۲٪ در سال‌جاری و بدون توجه به دوره گردش فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی نتایج آن عبارت خواهد بود از:

۱- افزایش تقاضای تسهیلات

۲- عدم برگشت به‌موقع مطالبات

۳- روی‌آوری متقاضیان به اخذ تسهیلات اعطایی بلندمدت

۴- افزایش هزینه‌های مطالبات مشکوک‌الوصول و حقوقی

۵- افزایش ضرایب ریسک بانک‌ها

۶- رویکرد شعب به عدم وصول مطالبات در سرسید به‌واسطه اخذ جرایم تأخیر و پوشش زیان شعبه در صحنه رقابت بانکی، عدم اخذ حق‌الوکاله به‌منظور پاسخ‌گویی به سپرده‌گذاران و پرداخت سود مورد انتظار اعلامی به آن‌ها در محدوده ۷٪ تا ۱۶٪ منتهی خواهد گردید.

مجموعه عوامل فوق سیستم بانکی دولتی را با در نظر گرفتن ساختار سازمانی آن‌ها از نظر هزینه‌های جاری، دارایی‌ها، بدهی‌ها و تعهدات مواجه با مشکل خواهد نمود.

در نتیجه کاهش نرخ سود بانکی بدون توجه به واقعیات اقتصادی جامعه، مشکل را برای سیستم بانکی و در نتیجه مجموعه اقتصاد دو چندان می‌نماید و اگر این کاهش نرخ در بخش تسهیلات باشد سبب حرکت خیل متقاضیان به‌سوی بانک‌های دولتی خواهد شد که به‌علت عدم امکان پذیرش کلیه تقاضاها حتی یکسان، سبب ایجاد فساد و رانت‌خواری خواهد گردید و عواقب آن نارضایتی بیشتر مردم در میان مدت خواهد بود. ضمن آن‌که امکان پرداخت سود به سپرده‌گذاران براساس نرخ‌های موجود وجود نخواهد داشت و بانک‌ها با زیان‌دهی مواجه خواهند گردید و اگر به موازات کاهش نرخ سود تسهیلات اعطایی، نرخ سود سپرده‌ها (علی‌الحساب) نیز کاهش یابد نتیجه آن کاهش خزائن بانک‌های دولتی از سپرده‌های مردم و حرکت آن به‌سوی سایر بازارهای پولی و مالی که از بازدهی بیشتری برخوردار می‌باشند خواهد بود که این امر کاهش سرمایه‌گذاری مولد و در نتیجه کاهش اشتغال دایمی را به‌همراه داشته و در مقابل سبب رونق واسطه‌گری و سوداگری خواهد گردید و به‌علت کمبود منابع و عدم امکان پاسخ‌گویی به متقاضیان رانت‌خواری و نارضایتی مردم از نتایج دیگر آن خواهد بود.

هم اکنون نیز در زمان انتشار و عرضه اوراق مشارکت به‌علت بالاتر بودن نرخ سود علی‌الحساب آن، ملاحظه می‌گردد که بخشی از منابع موجود سیستم بانکی دولتی توسط مردم صرف خرید این اوراق می‌گردد و جریان عادی پول و سرمایه در بانک‌ها را دچار چالش و مخاطره می‌نماید و

معمولاً در چنین شرایطی حساب اغلب بانک‌ها نزد بانک مرکزی مانده بدهکار پیدا نموده و بانک مرکزی نیز جریمه‌ای بالغ بر ۳۰٪ اخذ می‌نماید.

۳- نتایج کاهش یک سویه نرخ سود بانکی

با شرح فوق می‌توان اثرات جانبی اقدام یک سویه کاهش نرخ سود بانکی را بدون توجه به شرایط تورمی به‌شرح ذیل خلاصه نمود:

۱- عدم بازگشت روان منابع بانکی

۲- افزایش مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک‌ها و تمایل بیشتر بانک‌ها به عدم وصول در سررسید به‌خاطر اخذ جرایم به‌میزان ۶٪ نسبت به‌میزان سود تعیین شده.

۳- کاهش منابع سیستم بانکی در بخش سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار.

۴- افزایش تقاضای تسهیلات اعطایی و عدم امکان پاسخ‌گویی به آن‌ها.

۵- تمایل سرمایه‌گذارانی که از منابع بانکی استفاده می‌نمایند به طرح‌های سرمایه بر، به‌جای توجه بیشتر به موضوع اشتغال.

۶- تقویت و گسترش بازارهای غیر متشکل پولی و مالی و واسطه‌گری همانند سال‌های گذشته (مانند شرکت‌های مضاربه‌ای از جمله سحر و الیکا)

۷- افزایش بدهی سیستم بانکی به بانک مرکزی

۸- شکل‌گیری فساد یا رانت‌خواری برای دستیابی به تسهیلات اعطایی بانک‌ها

۹- تشویق مصرف جاری و درنتیجه کاهش مجدد پس‌اندازها.

۱۰- تقویت بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری خصوصی که دامنه حرکت آنها در اخذ و پرداخت سود بیشتر است.

۱۱- افزایش هزینه بانک‌ها از ابعاد نظارتی به‌خاطر جلوگیری از بکارگیری سرمایه بجز موارد پیش‌بینی شده.

۱۲- درصورت عدم کاهش نرخ سود سپرده‌ها متناسب با کاهش نرخ سود تسهیلات پیش‌بینی زیان‌دهی سیستم بانکی.

۱۳- درصورتی‌که میزان سود پرداختی بانک‌ها به سپرده‌گذاران کمتر از نرخ واقعی تورم باشد شرعاً و قانوناً بانک‌ها به‌عنوان وکیل به تکالیف خود عمل ننموده و باید پاسخ‌گو باشند.

۴- بررسی عملکرد و سودآوری واقعی شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار و مقایسه آن با سود سپرده‌گذاران

حال باتوجه به واقعیات اقتصادی فوق بهتر است مروری به وضعیت قیمت تمام شده و سودآوری شرکت‌ها می‌گردد، عملکرد ۴۳۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۴ که دارای تنوع فعالیت درحوزه‌های تولیدی، معدنی و واسطه‌گری مالی می‌باشند و نسبت‌های مالی پنج ساله آن‌ها ذیلاً ارائه می‌گردد:

نسبت‌های مالی پنج‌ساله ۴۳۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

نسبت‌های مالی	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴
نسبت بهای تمام شده به فروش	۷۳,۶	۷۳,۳	۷۲,۶	۷۱,۱	۶۹,۳
" هزینه‌های توزیع وفروش واداری به فروش	۵,۸	۶,۶	۵,۹	۷,۱	۶,۶
" هزینه‌های مالی به فروش	۳,۹	۴,۱	۵	۴,۸	۵,۴
" سود عملیاتی به فروش	۲۱	۱۹,۸	۲۳	۲۷,۱	۲۹
" سود خالص به فروش	۱۷,۴	۱۵	۱۸	۲۵	۱۹,۹
" هزینه‌های مالی به قیمت تمام شده	۵,۳	۵,۷	۶,۹	۶,۷	۷,۷
" هزینه‌های مالی به کل هزینه‌ها	۴,۷	۴,۹	۶	۵,۷	۶,۶
بازده ارزش ویژه	۳۹,۵	۴۰,۹	۴۸,۹	۵۱,۲	۳۷,۳
بازده دارایی‌ها	۱۱,۱	۱۰,۶	۱۲,۷	۱۵	۹,۹

به‌طوری‌که ملاحظه می‌گردد به‌ترتیب نسبت میانگین سود عملیاتی و سود خالص به فروش در پنج‌ساله یاد شده برابر ۲۳,۹۸٪ و ۱۹,۰۶٪ بوده است و میانگین نسبت هزینه‌های مالی به قیمت تمام شده و کل هزینه‌ها به‌ترتیب برابر ۶,۴۶٪ و ۵,۵۸٪ و بازدهی ارزش ویژه و کل دارایی‌ها برابر ۴۳,۵۶٪ و ۱۱,۸۶٪ بوده است. که نسبت‌های بالایی است و صاحبان سهام در طول پنج‌سال گذشته حداقل بیش از دو تا دو ونیم برابر سپرده‌گذاران سرمایه‌گذاری بلندمدت از سود منتفع شده‌اند و بازده آشکار دارایی‌ها نیز قابل ملاحظه است.

اما با نگاهی دقیق‌تر به وضعیت فوق ملاحظه می‌گردد در این سال‌ها نسبت هزینه‌های مالی به‌فروش (۴,۶۴٪) و کل هزینه‌ها (۵,۵۸٪) بخش ناچیزی است و با نسبت سود خالص به‌فروش به‌میزان ۱۹,۰۶٪ قابل مقایسه نیست، از طرف دیگر عموماً عنوان می‌شود هزینه‌های مالی سبب افزایش قیمت تمام شده گردیده است (از نظر حسابداری صحیح نیست) اما ملاحظه می‌گردد

که نسبت بهای تمام شده به‌فروش به‌طور میانگین ۷۱,۹۸٪ می‌باشد یعنی معادل ۲۸٪ حاشیه سود داشته‌اند که منطق فوق را مورد سئوال قرار می‌دهد.

آیا نظام بانکی می‌تواند منابع خود را در فعالیت‌هایی بغیر از امور اقتصادی بکار انداخته و سود عاید خود نماید؟ مسلماً پاسخ منفی می‌باشد و در این ارتباط، وضعیت تسهیلات اعطایی بانک‌های دولتی در پایان سال ۱۳۸۵ به‌شرح ذیل بوده است:

وضعیت مانده تسهیلات اعطایی خصوصی نظام بانکی به تفکیک بخش‌های اقتصادی

نام بخش	کشاورزی	صنعت و معدن	ساختمان و مسکن	بازرگانی و خدمات	صادرات	جمع کل
مبلغ	۱۸۱۳۴۰	۲۶۷۹۱۶	۱۹۸۳۲۰	۲۵۷۰۱۳	۱۴۵۲۳	۹۱۹۱۱۲
درصد	٪۱۹,۷۳	٪۲۹,۱۵	٪۲۱,۵۸	٪۲۷,۹۶	٪۱,۵۸	٪۱۰۰
درصد انباشته	٪۷۰,۴۶			٪۲۷,۹۶	٪۱,۵۸	٪۱۰۰

ملاحظه می‌گردد بالغ بر ۷۰,۴۶٪ از منابع سیستم بانکی در فعالیت‌های اقتصادی مولد که شرایط فوق‌الذکر درخصوص آنها صادق است، تسهیلات اعطاء گردیده است و چرا نباید بانک‌ها در سود واقعی آنها سهیم باشند و یا به نسبت منابع اختصاص یافته و طبق شرایط بازار سود عاید سپرده‌گذاران خود نمایند، اگر برای این موضوع فکری نشود، آینده‌ای نامطمئن را برای سیستم بانکی و جمع‌آوری منابع که می‌تواند در چارچوب سیاست‌های کلان دولت و به‌موجب بند یک از ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) برای استقرار نظام پولی و اعتباری برمبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به‌منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار درجهت سلامت و رشد اقتصاد کشور، به‌مصرف برسد، می‌توان پیش‌بینی نمود که باید هرچه زودتر بفکر بود.

لذا به‌منظور کاهش اثرات سوء فوق و تکالیف تعیین شده برای سیستم بانکی پیشنهاد می‌گردد به‌منظور رفع این مشکل بانک‌ها مجاز باشند مطابق شرایط واقعی بازار و در قالب هر یک از عقود به‌شرح ذیل عمل نمایند:

۵- نحوه به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری درچارچوب شرایط بازار برحسب ماهیت آن‌ها

سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به‌موجب فصل سوم از قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) در اشکا ل ذیل می‌توانند مورد استفاده واقع گردند:

۵-۱- تسهیلات اعطایی در قالب معاملات

فروش اقساطی مواد اولیه، قطعات یدکی و ابزارکار

فروش اقساطی ماشین‌آلات، تأسیسات، تجهیزات و کالای مصرفی بادوام ساخت داخل

فروش اقساطی مسکن

اجاره به‌شرط تملیک

پیش خرید یا سلف

۵-۲- تسهیلات اعطایی در قالب مشارکت

مضاربه

مشارکت مدنی

مشارکت حقوقی

سرمایه گذاری مستقیم

مزارعه و مساقات

۵-۳- تسهیلات اعطایی در قالب انجام‌کار

جعاله

هریک از سه گروه تسهیلات اعطایی فوق‌الذکر تابع شرایط و ضوابط خاصی می‌باشند و رعایت آنها از جنبه‌های شرعی و قانونی برای بانک‌ها الزام‌آور می‌باشد.

از اهداف اصلی این سپرده‌گذاران کسب سود در قالب معاملاتی است که در عرف انجام و از نظر شرعی منعی بر آن‌ها نیست.

در انجام معاملات در بازار از نظر کسب سود، عرف، نقش اساسی ایفاء می‌نماید، به‌طور مثال نرخ فروش و سود منظور شده یک تولیدکننده با نرخ فروش و سود یک عمده فروش و همچنین نرخ فروش و سود یک خرده فروش همان محصول به‌علت نوع هزینه‌ها، انواع ریسک، دوره گردش کالا و بسیاری عوامل دیگر متفاوت می‌باشد و البته این شیوه با توجه به تنوع محصولات و شکل آن‌ها در قالب کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مصرفی و مجدداً تنوع آنها در داخل هر گروه و دوره گردش کالا نیز متفاوت می‌باشد.

لذا اگر به‌طور واقع بخواهیم در چارچوب بازار و عقود فعالیت و اعطاء تسهیلات صورت پذیرد، لازم است به این نکات توجه اساسی مبذول گردد.

علاوه بر آن با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی فوق برای کسب سود واقعی حداقل سه نقش برای به‌کارگیری منابع می‌توان در نظر داشت که بر مبنای آن نرخ سود و حداقل نرخ سود مورد انتظار در بازار رقابتی تعیین و مورد اقدام قرار گیرد.

تسهیلات مبادله‌ای

کاربرد تعیین شده برای این‌گونه تسهیلات فعالیت‌های تولیدی و خدمات می‌باشد. تسهیلات مبادله‌ای از نظر نحوه استفاده در ترکیب منابع مؤسسات اقتصادی را می‌توان به تأمین سرمایه درگردش و تأمین هزینه‌های سرمایه‌ای تقسیم نمود.

درخصوص تأمین سرمایه درگردش، توجه به دوره گردش واقعی کالا در رشته‌های مختلف فعالیت‌های تولیدی و عرف یا ضابطه قیمت‌گذاری محصولات می‌تواند مبنای تعیین میزان سود بانک‌ها برای تسهیلاتی نظیر فروش اقساطی مواد اولیه، قطعات یدکی و ابزارکار و پیش خرید محصولات یا سلف باشد.

با بررسی‌های به‌عمل آمده برحسب نوع تولیدات (کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای) دوره گردش کالا، وضعیت رقابتی بازار محصول، نحوه قیمت‌گذاری محصولات و سود فروش تعیین و سپس محصولات عرضه می‌گردد. بنابراین نیز می‌تواند برای اعطای تسهیلات فروش اقساطی و پیش خرید (سلف) نیز مورد استفاده قرارگیرد، درصد افزایش یا سود منظور شده به‌طور عام برای هر دوره گردش کالا بین۴٪تا۱۰٪ در صنایع مختلف می‌باشد که درصد حداقل مربوط به صنایع و محصولات مصرفی است که از دوره گردش کوتاه‌تری برخوردار می‌باشند و درصد حداکثر به صنایع و محصولات واسطه‌ای و سرمایه‌ای که از دوره گردش بالاتری برخوردار هستند، تعلق دارد.

در چنین شکلی، نرخ سود بانک برای هربار معامله و براساس دوره گردش کالا در آن رشته از فعالیت‌های اقتصادی و بدون توجه به مدت آن می‌تواند تعیین گردد.

اما در مورد تسهیلات سرمایه‌ای به‌علت آن‌که هدف از تهیه آنها فروش مجدد نمی‌باشد، بلکه استفاده از خود دارایی درجهت افزایش فعالیت و بهره‌وری است، در نتیجه دوره بازگشت منابع مورد استفاده برای تهیه این‌گونه اموال نمی‌تواند کوتاه‌مدت و از محل فعالیت یک دوره مالی آن باشد، در چنین حالاتی نرخ سود بانک باید براساس میزان بازدهی در رشته‌های مختلف از صنایع، ریسک‌های موجود با توجه به طولانی مدت بودن دوره بازگشت تسهیلات و در نظرگرفتن عرف تعیین و مبنای اقدام قرار گیرد.

درخصوص تأمین سرمایه درگردش، شناسایی ریسک‌ها بهتر قابل انجام است که این خود می‌تواند معیاری باشد برای کاهش نرخ سود در اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت.

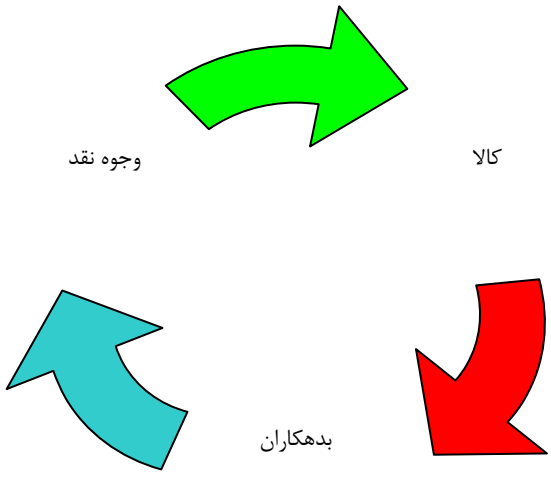
اما در مورد تسهیلات سرمایه‌ای بررسی بازار و برآورد ریسک‌ها براحتی امکان‌پذیر نیست و یا بهتر بگوییم ضرایب ریسک آن بالاتر خواهد بود، درنتیجه واضح است که میزان سود منظور شده برای کالاهایی‌که از دوره گردش کوتاه‌تری برخوردار می‌باشند و کالاهای سرمایه‌ای که دارای دوره گردش بسیار طولانی‌تری می‌باشند، نمی‌تواند یکسان باشد که عملکرد و عرف بازار نیز مؤید این موضوع می‌باشد.

تسهیلات مشارکتی

این گروه از تسهیلات نیز قابلیت استفاده برای تأمین سرمایه در گردش (عمدتاً بخش بازرگانی) و به‌صورت کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری ثابت (اجرای طرح‌ها) و به‌صورت بلندمدت را دارا، می‌باشند.

برای اعطای این تسهیلات در مورد تأمین سرمایه درگردش فعالیت‌های اقتصادی که عمدتاً به‌صورت خرید و فروش کالا می‌باشند، می‌باید مطابق مکانیزم بازار عمل نمود و حداقل نرخ سود مورد انتظار می‌بایست بر مبنای هردوره گردش کالا در نظر گرفته شود.

دوره گردش کالا برای فعالیت‌های مختلف اقتصادی متفاوت است و به‌طورمثال برای یک سبزی فروش تعداد ۳۰۰ بار درسال و برای یک فعالیت دیگر ممکن است ۸ بار در سال و یا ۴ بار درسال باشد.



که در این حالت حداقل نرخ سود مورد انتظار به‌عنوان یک معیار تصمیم‌گیری برای پذیرش تقاضای تسهیلات، باید براساس شرایط رشته‌های مختلف از فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت حداقل و حداکثر و به‌طور مثال بین۲٪ تا ۶٪ برای هردوره گردش کالا تعیین و اعلام گردد که بر همین مبنا و در نظر گرفتن حداکثر سودآوری فعالیت‌های اقتصادی بازرگانی، نسبت تقسیم سود تعیین و در قرارداد لحاظ گردد.

بدیهی است اگر تسهیلات اعطایی به‌صورت موردی و فقط برای یک‌بار اعطاء گردد مبنای محاسبه و تعیین نسبت تقسیم سود با رعایت دوره گردش کالا و حداقل نرخ سود مورد انتظار و سود آن رشته از فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌پذیرد. ولی اگر تسهیلات به‌صورت گردشی و یا سالانه اعطاء گردد مبنای تعیین نسبت تقسیم سود، لحاظ نمودن تعداد دفعات گردش کالا، سود منظور شده و حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک براساس دفعات دوره گردش کالا خواهد بود.

آنچه مسلم است در این شیوه سود حاصله برای بانک نباید به‌عنوان بخشی از هزینه‌ها در قیمت تمام شده واحد اقتصادی لحاظ گردد.

در این طریقه هربانکی که دارای کارایی بیشتری از نظر نحوه اختصاص منابع باشد، می‌تواند سودآوری بیشتری داشته باشد و بدیهی است با رقابت ایجاد شده به‌طور اتوماتیک در یک مدت معقول با توجه به شرایط بازار و رقابت، میزان سودآوری بانک‌ها حالت تعادلی پیدا خواهد نمود و همچنین مشتریان نیز چون رعایت عرف بازار و واقعیات اقتصادی گردیده است، نمی‌توانند ناراضی باشند.

در مورد تسهیلات مشارکتی سرمایه‌ای، که علت اعطای تسهیلات می‌تواند ایجاد یک طرح جدید، توسعه واحد اقتصادی موجود یا افزایش ظرفیت با اضافه نمودن یا جایگزینی ماشین‌آلات و تأسیسات باشد. اعطای تسهیلات یا سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌باشد به‌لحاظ آن‌که هدف ایجاد دارایی‌های ثابت جدید بوده درنتیجه پس ازشروع بهره‌برداری و از محل منابع شکل گرفته می‌تواند آن‌را مستهلک و منابع بانک را برگشت دهد.

بدیهی است در چنین حالتی طرح موضوعه از جنبه‌های فنی، اقتصادی و مالی و اعتباری مورد بررسی و ارزیابی قرارگرفته و سودآوری و نحوه بازگشت سرمایه یا منابع به‌کارگرفته شده در یک مدت زمان معین که نباید از طول عمر مفید دارایی‌های ایجادی بیشتر شود، پیش‌بینی و مشخص می‌گردد.

این‌گونه طرح‌ها در مقایسه با تسهیلات کوتاه‌مدت از ریسک بیشتری برخوردار می‌باشند در نتیجه حداقل نرخ سود مورد انتظار که مبنای پذیرش آن‌ها می‌باشد باید به‌گونه‌ای باشد که

ریسک موردنظر را پوشش دهد و این نرخ می‌تواند برای مدت دوران اجـرای طـرح و تـا مرحلـه شروع بهره‌برداری تجاری برای هرسال متفاوت باشد.

در نتیجه نسبت تقسیم سود برای مشارکت بانک با در نظرگرفتن میزان سهم الشرکه، مدت اجرا، دوران برگشت منابع و حداقل نرخ سود مورد انتظار، ارزش افزوده و ریسک‌های پیش‌بینی شده است که در طرح پیش‌بینی و در قرارداد لحاظ می‌گردد.

در پایان دوره اجراء و هنگام بهره‌برداری تجاری به‌طور عام قیمت واگذاری سهم‌الشرکه بانک براساس قیمت تمام شده منابع به‌کاررفته، حداقل سود مورد انتظار و قیمت روز دارایی‌هـای ایجـادی تعیین و به‌صورت نقدی به شریک واگذار و در صورت عدم تـوان خریـد نقـدی قابلیـت فـروش اقساطی سهم‌الشرکه بانک به‌شرح گفته شده وجود خواهد داشت و اگر بنا به دلایلی قـرار باشـد مشارکت ادامه یابد، تا مرحله‌ای که سهم بانک بفروش نرسیده، بانک در سودآوری طرح یا پروژه به نسبت سهم‌الشرکه خود سهیم خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با اقدام به‌شرح فوق بانک‌ها به‌معنای واقعی بانکداری اسلامی را اجراء نمـوده و نـرخ سـود و حداقل سود مورد انتظار می‌تواند از آنچه هم اکنون نیز اعلام شده اسـت یعنـی ۱۲٪ نیـز بـرای تأمین سرمایه در گردش برای هربار انجام معامله یا دوره گردش کالا کمتر باشـد و از نارضـایتی بعضی ازمشتریان اعتباری نیز کاسته شود.

بدیهی است در این حالت گردش بیشتر منابع می‌تواند تأثیر مستقیم در افزایش سـودآوری بانک‌ها را به‌همراه داشته باشد و سودآوری بانک‌ها نیز مطابق سبد کـالایی بـازار واقعـی خواهـد بود. و علاوه برآن با رعایت موارد فوق:

۱- تناسبی بین نرخ سود تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت و بلندمدت در زمینه تسهیلات مبادله‌ای و مشارکتی به‌وجود خواهد آمد.

۲- به‌واسطه تأثیردادن دوره گردش فعالیت واحد اقتصادی نظارت به‌صورت خود کنترلی انجـام خواهد شد.

۳- بانک‌ها با توجه به وضعیت بازار، ریسک سرمایه‌گذاری‌ها رشته فعالیت در دامنه تعیین شـده نرخ و میزان سود خود را تعیین می‌نمایند.

با توجه به ترکیب منابع بانک‌ها از ابعاد منابع مالکیتی و منابع وکـالتی و نـرخ تعیـین شـده برای حق‌الوکاله (میزان حق‌الوکاله برای سال ۱۳۸۳ برابـر ۳,۵ ٪ و بـرای سـال ۸۴ برابـر ۰/۵ ٪

تعیین گردیده است) این امکان نیز وجود دارد که دو نرخ سود و حداقل نرخ سود مورد انتظار برای منابع مالکیتی و وکالتی در نظر گرفته شود.

۴- حداقل نرخ سود مورد انتظار که در حال حاضر برای اعطای تسهیلات ۱۲٪ اعلام گردیده است با توجه به نرخ سپرده قانونی(۱۷٪) و نقدینگی مورد نیاز برای پاسخ‌گویی روزانه به‌طور متوسط ۳٪ نرخ سود واقعی برای بانک‌های دولتی عملاً به‌طور میانگین برابر ۹,۶٪ (۱۲٪×۸۰٪=۹,۶٪) می‌باشد که به‌طور قطع این نرخ سود نمی‌تواند از این به بعد پاسخ‌گوی سود علی‌الحساب پرداختی به سپرده‌گذاران از محل سودهای حاصله از محل همان سپرده‌ها باشد. که با اتخاذ و جایگزینی روش فوق، ضمن کاهش نرخ سود واقعی، بانک‌ها در توزیع منافع براساس واقعیات اقتصادی سهیم بوده و بانکداری بدون ربا یا اسلامی در شکل صحیح و واقعی آن اجرا خواهد شد.

منابع ومآخذ

جمشیدی، سعید.۱۳۸۵." ***بانکداری اسلامی***". انتشارات شکوه اندیشه.

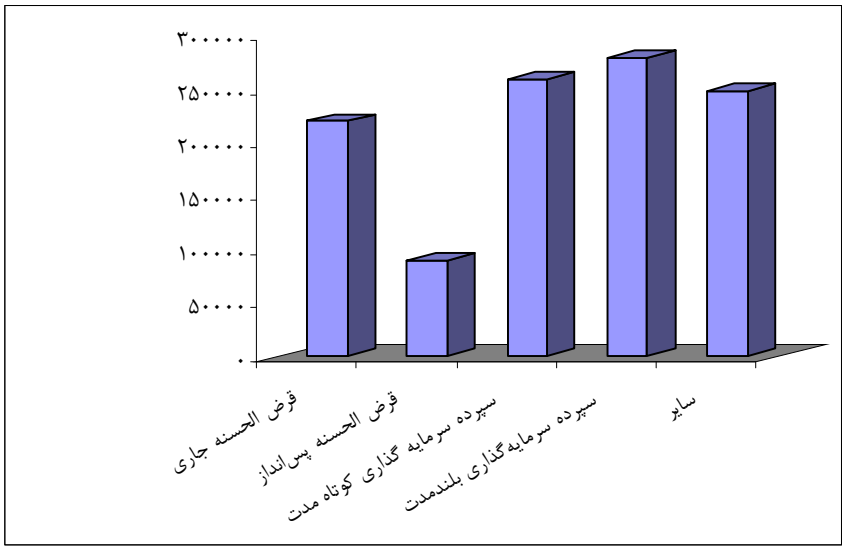
صادقی، علی‌رضا. ثابتی، امیرعلی. ۱۳۸۶/۴/۱۴. " ***مقاله، روزنامه دنیای اقتصاد***". شماره ۱۲۷۹.

"***عملکرد نظام بانکی***". نشریات بانک مرکزی و نشریات ادواری بانک‌ها.

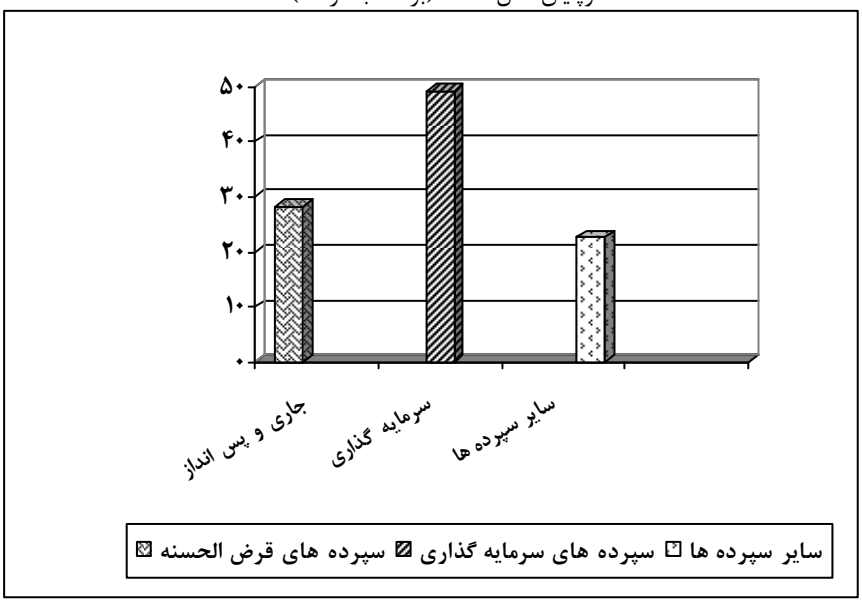
گزارشات کارشناسی درخصوص نحوه فعالیت آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی.

سایر مقالات

ترکیب وضعیت مانده سپرده‌های ریالی خصوصی نظام بانکی به تفکیک انواع سپرده
در پایان سال ۱۳۸۵ (ده بانک تجاری دولتی)



وضعیت و ترکیب مجموع سپرده های خصوصی سیستم بانکی دولتی
درپایان سال ۱۳۸۵(برحسب درصد)



ترکیب سپرده‌های سرمایه‌گذاری ریالی خصوص نظام بانکی در پایان سال ۱۳۸۵

ارقام به میلیارد ریال

نوع سپرده	مبلغ	درصد
سپرده‌های سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت	۲۶۳۱۱۴	٪۴۹
سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت	۲۷۳۰۲۳	٪۵۱
جمع کل	۵۳۵۱۳۷	۲۷٪۱۰۰

وضعیت تسهیلات اعطایی و سپرده‌ها در پایان سال۱۳۸۵

ارقام به‌میلیارد ریال

جمع‌کل تسهیلات اعطایی	۹۱۹۱۱۲۰۴۴
جمع‌کل سپرده‌ها (شامل سایر)	۱۰۸۹۸۴۴۵۰۵
نسبت تسهیلات اعطایی به‌سپرده‌ها	٪۸۴,۳۳